

بسم الله الرحمن الرحيم

مقارن جلسه ششم ۱۳۹۶/۰۷/۲۲

لزوم پاسخگویی روشمند به شبهات (۶) - عناوین کتابهای ضد شیعی در ۱۴ قرن گذشته و کتابهای نوشته شده در رد آنها

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله

بحث ما در رابطه با روش پاسخگویی به شبهات بود. در این راستا گفتیم که بحث اول ما در رابطه با یک سری مطالب عمومی مربوط به «شبهه» است. نبی گرامی اسلام با انواع شبهات مواجه بودند و به شبهات پاسخ می‌دادند، بحث و مناظره می‌کردند و بعد از مناظره مباحثه هم می‌کردند. و در حقیقت برای اثبات حقانیت خودشان و حقانیت دین اسلام تمام تلاش‌ها را در حوزه فرهنگی انجام دادند.

امروزه بار این مسئولیت به عهده ما هست تا روش‌هایی که نبی گرامی اسلام و ائمه طاهرين (عليهم السلام) داشتند را بتوانیم در عصری که شبهات از در و دیوار بر ضد مذهب تشیع و اهل بیت (عليهم السلام) می‌ریزد به کار بگیریم و هرکسی به اندازه توان خودش باید قیام کند.

(أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِيَارِكُمْ) (فُرَادَى)

دو نفر دو نفر، یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید.

سوره سبأ (۳۴): آیه ۴۶

برای دفاع از تشیع و پاسخگویی به شبهات باید فرد فرد و جمیعاً باهم قیام کنیم. چه بسا شبهه‌ای بیاید و عقاید صدها و هزاران جوان شیعه را متزلزل کند.

ای کاش به همین تزلزل اکتفا کنند؛ چه بسا تزلزل عقیده باعث می‌شود که شخص از عقیده صرف‌نظر کند و جذب بعضی از فرقه‌های انحرافی شود و فردا تروریست شود و یا همانند ماجرای دزفول فرماندهی تروریستی را به عهده بگیرد.

قطعاً کسانی که در این حوزه کوتاه آمده‌اند فردای قیامت مسئول هستند. ما نباید تمام تقصیرها را به گردن شبهه‌اندازها، رسانه‌های وهابی و معاند و افراد مخالف در فضای سایبری و مجازی بگذاریم، بلکه ما هم به نوبه خود مسئول هستیم.

اگر ما کوتاه بیاییم و کوتاه آمدن ما باعث شود شبهات بیشتر منتشر شود و جوانان در معرض شبهات قرار بگیرند و سقوط کنند قطعاً بدانیم مسئول هستیم.

همان‌طور که نستجیر بالله اگر یک روز نماز نخوانیم باید خودمان را ملامت کنیم و وقتی نمازمان قضا می‌شود باید ناراحت باشیم و عزا بگیریم در این حوزه هم باید چنین روحیه‌ای را پیدا کنیم. تا این روحیه در ما پیدا نشود احساس مسئولیت، وجوب و تکلیف نکنیم قطعاً روحیه قیام برای این امر مهم و اساسی در ما ایجاد نمی‌شود.

هجوم به شیعیان در کنار هجوم به اهل بیت (علیهم السلام)

مخالفین ما شبهاتی بر ضد ائمه طاهرين (علیهم السلام) و یا حتی بر ضد خود شیعیان مطرح کرده‌اند. ما می‌بینیم که تنها ائمه طاهرين یا فرهنگ آن بزرگواران را مورد حمله قرار نمی‌دادند، بلکه کسانی که اطراف ائمه طاهرين بودند را هم مورد حمله قرار می‌دادند.

لذا مشاهده می‌کنیم تعدادی از افراد خدمت امام صادق (علیه السلام) می‌آیند و از برچسب‌های نادرستی که به این افراد می‌زدند گلایه و شکایت می‌کنند و می‌گویند:

«جُعِلَتْ فِدَاكَ فَإِنَّا قَدْ نُبْرِنَا نَبْرًا انْكَسَرَتْ لَهُ ظُهُورُنَا»

جانم به فدای شما آنچنان بر ما هجمه می‌کنند، شبیه ایجاد می‌کنند و شخصیت ما را مورد هجمه قرار می‌دهند که کمر ما را می‌شکنند.

«وَمَا تَلَهُ أَفِيدَتْنَا وَاسْتَحَلَّتْ لَهُ الْوَلَاةُ دِمَاءَنَا»

آن‌ها قلب‌های ما را می‌شکنند و نابود می‌کنند و خون ما را حلال می‌دانند.

«فِي حَدِيثٍ رَوَاهُ لَهُمْ فَقَهَاؤُهُمْ»

بعضی از فقهای اهل سنت مطالبی را نقل می‌کنند و حدیث‌هایی را از قول پیغمبر اکرم بر ضد ما نقل می‌کنند.

«قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّافِضَةُ»

می‌گویند امام صادق فرمودند: آیا به شما رافضه می‌گویند؟!

«قَالَ قُلْتُ نَعَمْ»

عرضه داشتند: بله.

«قَالَ لَا وَاللَّهِ مَا هُمْ سَمَّوَكُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَمَّاكُمْ بِهِ»

دشمنان شما چنین حرفی به شما نزدند بلکه خداوند صفت رافضه را به شما داده است.

«أَمَا عَلِمْتُمْ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَنَّ سَبْعِينَ رَجُلًا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ رَفَضُوا فِرْعَوْنَ وَ قَوْمَهُ»

یا ابا محمد آیا نمی‌دانی که هفتاد نفر از بنی اسرائیل زمانی که ضلالت فرعون و قوم او برای آنان روشن شد عملکرد فرعون را رفض و طرد کردند و به سپاه حضرت موسی ملحق شدند.

«لَمَّا اسْتَبَانَ لَهُمْ هَذَا فَسَمُوا فِي عَسْكَرِ مُوسَى الرَّافِضَةَ»

زمانی که هدایت برای این افراد روشن شد در سپاه حضرت موسی به این افراد رافضه گفتند.

«لَأَنَّهُمْ رَفَضُوا فِرْعَوْنَ»

آن‌ها فرعون را رفض و طرد کردند.

«وَ كَانُوا أَشَدَّ أَهْلٍ ذَلِكَ الْعَسْكَرِ عِبَادَةً وَ أَشَدَّهُمْ حُبًّا لِمُوسَى وَ هَارُونَ وَ ذُرِّيَّتِهِمَا»

کسانی که از قوم فرعون کنار آمده و طرد شده بودند عابدترین افراد قوم حضرت موسی بودند و حضرت موسی و هارون و قوم او را از دیگر اقوام بیشتر دوست داشتند.

«فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى أَنْ أُثْبِتْ لَهُمْ هَذَا الْإِسْمَ فِي التَّوْرَةِ»

خداوند عالم به حضرت موسی وحی کرد که این اسم را برای این افراد در تورات ثبت کن.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۸، ص ۳۴، ح

۶

ما در این زمینه روایات زیادی داریم که بر علیه شیعیان آورده‌اند. من بعضی از آنها را بیان می‌کنم. «عمر بن

ابی عاصم شیبانی» متوفای ۲۸۷ هجری از قول پیغمبر اکرم نقل می‌کند:

«يَا عَلِيُّ سَيَكُونُ فِي أُمَّتِي قَوْمٌ يَنْتَجِلُونَ حُبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَهُمْ نَبَزٌ يُسَمُّونَ الرَّافِضَةَ فَاقْتُلُوهُمْ فَإِنَّهُمْ

مُشْرِكُونَ»

یا علی! در قوم من افرادی هستند که ادعای محبت شما را دارند، آن‌ها عیبی دارند که به آن‌ها رافضه

می‌گویند. روافض را بکشید که آن‌ها مشرک هستند.

«وقال: رواه الطبرانی، و اسناده حسن»

او می‌گوید: این روایت را طبرانی نقل کرده و سند آن هم صحیح است.

السنة؛ المؤلف: أبو بكر بن أبي عاصم الشيباني (المتوفى: ۲۸۷هـ)؛ المحقق: محمد ناصر الدين الألباني؛ الناشر:

المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۰؛ ج ۲، ص ۴۷۴، ح ۹۷۹؛ باب ذِكرُ الأَهْواءِ المَذْمُومَةِ

معمولاً زمانی که جاعلین روایت بخواهند روایتی بسازند از قول راویانی می‌سازند که در جامعه مقبولیت دارند. یکی از طرفندهایی که ما در احادیث جعلی داریم این است که معمولاً سند را از افراد گمنام، ضعیف و مجهول قرار نمی‌دهند؛ بلکه سلسله راویان را افراد و روات ثقه قرار می‌دهند.

بعد از پیغمبر اکرم سؤال می‌کنند که علامت این افراد چیست؟! رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

« وَ يَطْعُونُ عَلَى أَصْحَابِي وَ يَشْتُمُونَهُمْ »

به اصحاب من طعن می‌زنند و به آنها ناسزا می‌گویند.

او در مورد سند روایت می‌گوید:

«إسناده ضعيف، و رجاله كلهم ثقات غير محمد بن أسعد التغلبي قال أبو زرعة والعقيلي: "منكر

الحديث"»

تنها «ابو زرعه» نسبت به «محمد بن سعد» عبارت «منكر الحديث» را به کار می‌برد، که البته آقایان اهل سنت معتقدند «لیس كل منكر الحديث ضعيفٌ»!! حال «ألبانی» چنین تعبیری دارد و آقایان اهل سنت منكر الحديث را عیب نمی‌دانند.

ما قبلاً هم گفتیم چنین نیست که آقایان اهل سنت منکر الحدیث بودن را عیب بدانند. آقای «ذهبی» در کتاب «میزان الاعتدال» جلد اول صفحه ۲۵۹ می‌گوید:

«ما كل من روى المناكير يضعف»

چنین نیست که هرکسی حدیث منکر نقل کند او را تضعیف کنیم.

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۹۹۵، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود، ج ۱، ص ۲۵۹، ش ۴۶۳

همچنین «ابن حجر» در کتاب «لسان المیزان» جلد ۲ می‌نویسد:

«فلو كان كل من روى شيئاً منكراً استحق ان يذكر في الضعفاء لما سلم من المحدثين أحد»

اگر قرار باشد هرکسی که روایت ضعیف نقل کرد را طرد کنیم یک نفر از محدثین ما سالم نمی‌ماند.

لسان المیزان، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات - بیروت - ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶، الطبعة: الثالثة، تحقیق: دائرة المعارف النظامیة - الهاند -، ج ۲، ص ۳۰۷، ش ۱۲۶۵

معنای این حرف ایشان این است که تمام محدثین اهل سنت، حدیث منکر دارند. ما هم تعداد زیادی از افرادی که در کتاب «صحيح بخاری» روایت دارند و «منکر الحدیث» هستند را پیدا کردیم که حدود ۵۰-۶۰ نفر هستند. افرادی مانند «خالد بن مخلد»، «محمد بن عبدالرحمن»، «ایوب سختیانی» و افراد دیگری که «منکر الحدیث» هستند را بیان کردیم. تمامی این افراد «منکر الحدیث» هستند ولی در کتاب «صحيح بخاری» روایت دارند.

پرسش:

ظاهراً «منکر الحدیث» صفت نیست که موصوف به آن اضافه شده باشد. در اصل «الحدیث المنکر» بوده به معنای اینکه روایت منکر است.

پاسخ:

«منکر الحدیث» حدیثی است که مورد انکار قرار گرفته است. به عبارت دیگر این راوی روایتی نقل کرده است که منکر است. او «محمد بن اسعد» را تضعیف می‌کند و می‌گوید: «محمد بن اسعد» این روایت منکر را نقل کرده است و در حقیقت راوی را زیر سؤال می‌برد. هیچ فرقی نمی‌کند چه راوی را به خاطر روایت منکر تضعیف کنند یا روایت را به خاطر منکر بودن زیر سؤال ببرند.

در این زمینه طعنه به شیعیان روایات متعددی وارد شده است:

«أبشر يا علي أنت وأصحابك في الجنة إلا إن ممن يزعم أنه يحبك قوم يرفضون الإسلام يلفظونه يقال لهم الرافضة (فإذا التقيتهم فجاهدهم) فإنهم مشركون قلت يا رسول الله ما العلامة فيهم؟ قال لا يشهدون جمعة ولا جماعة ويطعنون على السلف»

السنة، المؤلف: عمرو بن أبي عاصم الضحاك الشيباني [ت: ۲۸۷]، المحقق: محمد ناصر الدين الألباني، الناشر:

المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۴۷۵، ح ۹۸۰

این تعبیر، همان تعبیری است که «ابن تیمیه» دارد مبنی بر اینکه شیعیان نه نماز جمعه می‌خوانند و نه نماز جماعت می‌خوانند. او در کتاب «منهاج السنة النبویة» جلد اول از صفحه ۲۱ تا ۲۸ ویژگی‌های شیعه را یکی پس از دیگری بیان می‌کند. «ابن تیمیه» می‌گوید: یکی از ویژگی‌های شیعیان این است که نماز جمعه و جماعت ندارند.

لذا افرادی خدمت حضرت می‌آیند، و عرض می‌کنند: برچسب رافضه بر ما می‌زنند. مشاهده کردید که در کتب اهل سنت روایاتی از پیغمبر اکرم نقل می‌کنند که اگر این افراد را دیدید بکشید، زیرا آن‌ها مشرک هستند!!

کافی است که به یک شیعه برچسب رافضه بزنند تا خون او هدر و تصرف اموال او هم جایز شود. در این صورت این شخص شیعه دیگر نمی‌تواند در جامعه زندگی کند، حرف بزند، از مذهب دفاع کند و بگوید من دوستدار علی هستم!!

در کتب اهل سنت وارد شده است که روافض به دروغ می‌گویند ما دوستدار اهلبیت هستیم، بلکه دشمن اسلام هستیم و می‌خواهند اسلام را نابود کنند. همچنانکه «ابن تیمیه» می‌گوید: "هدف شیعه نابود کردن اسلام است، با همدستی یهود!!"

این روایات بخشی از روایاتی است که ما باید بیشتر به آن دقت کنیم. اگر امروز هم کسی بخواهد از تشیع دفاع کند و در برابر وهابیت بایستد قطعاً در جامعه برچسب‌های زیادی به او خواهند زد. در رسانه‌ها برچسب‌های متعددی به او می‌چسبانند و او را تهدید می‌کنند.

زمانی که ما می‌خواستیم به یک برنامه‌ای در امارات برویم، سفارت امارات گفت: آقای قزوینی به امارات ممنوع ورود شده است. ما گفتیم: مگر ما چکار کردیم؟! جرم ما چیست؟! گفتند: شما در شبکه‌های ماهواره‌ای علیه وهابیت حرف می‌زنید.

ما گفتیم: الحمدلله رب العالمین؛ شکر خداوند عالم بحث‌های ما در حدی تأثیرگذار بوده است که این آقایان از این وحشت دارند که ما وارد کشورهای خودشان بشویم و آنجا این مطالب را چهره به چهره برای مردم بیان کنیم.

ما از یکی از دوستان درخواست کردیم که در بخش عربی مجری شود، اما او گفت که من در بخش وهابیت مجری نمی‌شوم. وقتی علت را پرسیدم، او گفت: "بنده دائماً به مکه می‌روم و برمی‌گردم. اگر مجری برنامه وهابیت بشوم از ورود من به حج جلوگیری می‌شود!!" بنده به ایشان گفتم: حج مهم‌تر است یا دفاع از امیرالمؤمنین مهم‌تر است؟! او گفت: رفتن حج برای من موضوعیت دارد و می‌خواهم دائماً در رفت و آمد باشم. بنده به او گفتم: باشد! اما فردای قیامت هر جوابی آماده دارید خودتان می‌دانید.

عناوین کتابهای ضد شیعی و عناوین کتابهای نوشته شده در رد آنها

در ادامه مطالب، ما بخشی را شروع کردیم که علمای بزرگوار شیعه در طول تاریخ در برابر شبهات دشمن آرام و ساکت نبودند. ما از قرن دوم و سوم مطالبی آوردیم مبنی بر این که اولین کتابی که علیه شیعه و امیرالمؤمنین نوشته می‌شود «العثمانیه» نام دارد که «جاحظ» نویسنده آن متوفای ۲۵۵ هجری حتی منکر شجاعت حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) شده است!!

ما در مقابل مشاهده می‌کنیم تعدادی از بزرگان شیعه و اهل سنت در برابر او قیام می‌کنند. «ابو جعفر اسکافی» کتاب «نقض عثمانیه» را می‌نویسد «ابو عیسی وراق» کتاب می‌نویسد، «مسعودی» مؤلف «مروج الذهب» در رد او کتاب می‌نویسد.

«سید بن طاووس» در رد «عثمانیه» کتاب می‌نویسد. همچنین در قرن چهارم و پنجم کتاب‌های زیادی پیرامون عقاید امامیه نوشته می‌شود که مرحوم «شیخ مفید» متوفای ۴۱۳ هجری در جواب این افراد ساکت نمی‌نشیند و کتاب «فصول عشره در غیبت» را می‌نویسد.

او رساله‌ای در نص بر خلافت امیرالمؤمنین می‌نویسد که در آنجا «ابوبکر باقلانی» رئیس اشاعره را به چالش می‌کشد. «شیخ مفید» که می‌شنود در نیشابور افرادی وجود دارند که شبهاتی را مطرح می‌کنند از بغداد به طرف نیشابور می‌آید برای پاسخ به شبهات.

در آن زمان آمدن از بغداد به نیشابور خیلی دشوار بود. «شیخ مفید» به نیشابور می‌آید، برنامه تدریس می‌گذارد تا شبهاتی که در آنجا علیه شیعه مطرح شده را پاسخ بدهد. او جواب شبهات را می‌دهد، شاگردانی را تربیت می‌کند و دوبرتبه به بغداد برمی‌گردد.

همچنین در قرن پنجم اولین کتاب مفصل علیه شیعه به نام «المغنی فی الإمامة» توسط «قاضی عبدالجبار معتزلی» متوفای ۴۱۵ هجری نوشته می‌شود.

در حال حاضر بعد از گذشت هزار سال می‌بینیم وهابیت عمدتاً شبهات ضد شیعه را از «قاضی عبدالجبار معتزلی» می‌گیرند. او ذهن جوانی داشته و در القاء شبهات هم خیلی توانمند بوده است.

مرحوم «سید مرتضی» در رد او کتابی به نام «الشافی فی الإمامة» می‌نویسد. بعد از او «شیخ طوسی» این کتاب سه جلدی را در یک جلد تلخیص می‌کند.

اگر کتب بزرگانی چون «علامه حلی» و بزرگان دیگر و حتی «علامه امینی»، «میر حامد حسین»، «قاضی نور الله شوشتری» در رد مخالفین را ریشه‌یابی کنید خواهید دید که بخشی از این ریشه‌ها به نظریات مرحوم «سید مرتضی» در «الشافی فی الإمامة» می‌رسد.

بنده بارها گفتم ای کاش کتاب «الشافی فی الإمامة» یا «تلخیص» کتاب درسی حوزه‌ها می‌شد. مرحوم «سید مرتضی» نکاتی در این کتاب آورده که بنده به شخصه معتقدم این مطالب همگی الهام ربانی و رحمانی بوده است.

وقتی خود ما می‌خواهیم یک شبهه را پاسخ بدهیم با وجود اینکه این همه سابقه دارد، این همه امکانات اعم از کامپیوتر و اینترنت در اختیار ما هست در بسیاری از موارد بی‌نیاز از نظریات دیگران نیستیم.

در زمان مرحوم «سید مرتضی» نه کتب آنچنانی بود و نه سابقه‌ای برای این شبهات بوده است و نه کسی قبل از او این شبهات را جواب داده تا سرنخی دست او باشد. او به صورت ابتدایی این چنین جواب‌های متقن و جامع و شافی داده است. باید گفت: واقعاً «الشافی و الکافی فی الإمامة»!

همچنین در قرن ششم هجری کتابی تحت عنوان «بعض فضائح الروافض» نوشته شده که مرحوم «عبد الجلیل قزوینی» یکی از علمای بزرگ و معاصر «خواجه نصیر الدین طوسی» کتابی در نقض این کتاب نوشته که هنوز هم در آسمان پاسخ به شبهات می‌درخشد. این کتاب به حق کتاب زیبایی است، اما عبارتها و جمله‌سازی‌های او به قدری سخت است که احتیاج است یک مترجم یا مبینی کنار او باشد.

همچنین در قرن هشتم «ابن تیمیه» کتاب «منهاج السنة» را می‌نویسد. در مقابل کتاب‌های زیادی در رد «ابن تیمیه» می‌نویسند. «الإنصاف فی الإنتصاف لاهل الحق من اهل الاسراف»، «إكمال السنة فی نقض منهاج السنة»، «أكمال المنة فی نقض منهاج السنة»، «الإمامة الكبرى و الخلافة العظمی» کتاب‌هایی است که توسط شیعیان در رد «منهاج السنة» نوشته شده است.

علمای بزرگ اهل سنت هم در رد کتاب «منهاج السنة النبویة» کتاب نوشتند؛ آقای «سبکی» کتاب «السیف الصقیل» و «الدرة المضيئة فی الرد علی ابن تیمیه» را می‌نویسد.

آقای «تاج الدین فاکهانی» کتاب «التحفة المختارة فی الرد علی منکر الزیادة» را می‌نویسد. آقای «زملکانی» کتاب «الدرة المضيئة فی الرد علی ابن تیمیه» را می‌نویسد.

شاید علمای شیعه و اهل سنت بیش از صد کتاب در رد کتاب «منهاج السنة» نوشتند. «ابن تیمیه» در کتاب خودش نه تنها عقاید شیعه، بلکه عقاید اهل سنت را هم مورد تاخت و تاز و حمله قرار داده است.

همچنین در قرن نهم «یوسف بن مخزوم اعور» کتابی به نام «الرسالة المعارضة في الرد على الرافضة» می‌نویسد. در مقابل مرحوم «نجم الدین خضر بن محمد» در رد این کتاب، کتابی به نام «التوضیح الأنور بالحجج الواردة لدفع شبه الأعور» را می‌نویسد.

«ابن حجر هیتمی» کتابی به نام «الصواعق المحرقة» می‌نویسد. با اینکه در این کتاب نسبت به فضائل اهل بیت مطالب خوبی وارد شده، اما اساس و ریشه این کتاب زدن عقاید شیعه است. کمتر کتابی اینطور هتاکانه عقاید شیعه را مورد حمله و هجمه قرار داده است.

پرسش:

«ابن حجر هیتمی» صاحب کتاب «الصواعق المحرقة» از نظر وهابیت چقدر اعتبار دارد؟!

پاسخ:

برای او ارزش زیادی قائل نیستند. او شافعی مذهب صوفی بوده است. شافعی‌هایی که هنوز شافعی ماندند او را قبول دارند، اما احناف و وهابیت او را زیاد قبول ندارند. «قاضی نور الله شوشتری» در رد او کتابی به نام «الصوارم المهرقة» نوشت.

همچنین «فضل بن روزبهان» کتابی به نام «ابطال الباطل» بر رد کتاب «نهج الحق» اثر «علامه حلی» نوشت. از طرفی دیگر «قاضی نور الله شوشتری» کتابی نوشته به نام «احقاق الحق» که اخیراً در ۳۵ جلد به چاپ رسیده است.

ما تمام کتاب‌هایی را که در طول ۱۴ قرن علیه شیعه نوشته شده و علمای بزرگ شیعه هم ساکت نشستند و در برابر آن‌ها پاسخ دادند و پاسخ‌های مفصل بیان کردند را در این فصل به صورت مبسوط آوردیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته